

نابود یاد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکایی
و پایگاه داخلی

بامی استار

متحد شویڈ

شماره ۲۸

اسفند - فروردین ۱۳۶۳

نشریه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
سیستان و بلوچستان

۲۰ صفحه

بهاران

خجسته

باد!

بهار ۶۳ در شرایطی فرا میرسد که ایران در خون غوطه‌ور است. بهار در شرایطی فرا میرسد که در تمام خانه‌ها هفت‌سین غم و سوگ گسترده است. بهار خون و غم و آه و اشک، بهار کمبود، گرانی، پدران بجای دسته گل و شیرینی و نقل خیر اعدام جگرگوشه، خبر نابودی فرزند را در جبهه جنگ به خانه می‌برند، فامیل بجای دیدو باز- دید

بقیه در صفحه ۱۹

آیا خوانین می‌توانند چرخ تاریخ را بعقب برگردانند؟

خوانین بلوچستان بعنوان جیره‌خواران حکومت پهلوی و هموارکنندگان ستم ملی بعد از سرنگونی حکومت پهلوی به خدمت جمهوری اسلامی درآمدند، خوانین برای خوش خدمتی به جمهوری اسلامی تیمسار اسپهرم یار دیروز خود را که به آنها پناهنده شده بود تحویل حکومت ملایان دادند، این عمل خوانین چه معنایی دارد؟

خوانین بلوچستان با ماهیتی کثیف و ضد مردمی پیوسته برای چابیدن مردم و حفظ منافع گروهی خود که همانا برتری بر زحمتکشان است حاضرند به فجیع‌ترین توطئه‌ها و نسیسه‌ها بقیه در صفحه ۱۷

بررسی تحولات اجتماعی بلوچستان و

وظایف ما

(۱) در صفحه ۷

گرامی باد روز جهانی زن

۱۸ اسفند (۸ مارس) روز زن است. ۷۵ سال قبل (۱۹۰۸) در چنین روزی هزاران تن از زنان کارگر صنایع نساجی و لباس دوزی آمریکا در شهر نیویورک دست به تظاهرات زدند و خواستار پایان بخشیدن به تبعیضات موجود بین زن و مرد در عرصه کار اجتماعی شدند و همزمان با آن بر علیه بکارگیری و استثمار وحشیانه کودکان در تولید فریاد برآوردند. خواسته‌های زنان مبارز در این روز شرایط مناسب کار، تقلیل ساعات کار در هفته و وضع قوانین حفاظتی بر علیه اشتغال کودکان و افزایش دستمزدها بودند. این تظاهرات عظیم که از سوی هزاران زن زحمتکش مورد حمایت قرار گرفت با مبارزه برای بدست آوردن حق رای همراه بود و در سراسر جهان انعکاسی وسیع یافت. در سال ۱۹۱۰ در دومین کنفرانس بین‌المللی زنان بنا بر پیشنهاد کلارا زتکین، روز ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن به ثبت رسید و مقرر شد تمامی زنان در سراسر جهان در این بقیه در صفحه ۱۳

را بخوانید



در این شماره

- * پیرامون عملیات مسلحانه
- * اخبار
- * بنقل از ریگای گهل

سوپین پیت بلوچ هلك، جیره‌پوت واجهی و آزاتی

پیرامون عملیات مسلحانه

میکنند.

ملیت بلوچ نیز یکی از ملیت‌های تحت‌ستم می‌باشد، این ملیت بر اساس ستمی که بر وی روا می‌رود و منافعی که در انقلاب دارد همگام سایر ملیت‌های ایران تحت هژمونی طبقه کارگر نست به مبارزه می‌زنند، وظیفه رهبری این مبارزه و سمت و سو دادن به این مبارزه عموماً بر عهده یک حزب سرتاسری و بالاص به عهده نیروهائی که در میان این خلق کار میکنند، می‌باشد. اشکال مبارزاتی که در میان زحمتکشان این ملیت بکار می‌رود، بررسی و تحقیق و جمع‌بندی و کار بست آنها وظیفه نیروهای مترقی و بخصوص کمونیست‌های هوادار سا- زمان چریک‌های فدائی خلق می‌باشد، اشکال مبارزاتی و مجموعه تاکتیک‌های که پیش‌آهنگ برای پیشبرد مبارزه در میان ملیت بلوچ در نظر می‌گیرد نمی‌تواند بگونه‌ای مجرد و جدا از مبارزه طبقه کارگر و وضعیت انقلاب و مبارزات سایر خلق‌های ایران در نظر گرفته شود. طبق دیدگاه سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران که ما هواداران آن در سیستان و بلوچستان نیز بدان معتقدیم انقلاب هنوز تداوم دارد، بین نیروهای انقلاب و ضدانقلاب بمنظور فرجام بخشیدن به انقلاب کما- کش وجود دارد و ما در یک دوران انقلابی بسر می‌بریم و مضمون تاکتیک‌های پیش‌آهنگ تعرضی و تدارک برای قیام می‌باشد، طبقه کارگر باید خود را برای رهبری قیام در چشم‌انداز آماده سازد. زحمتکشان بلوچ نیز باید پابپای سایر زحمتکشان کشورمان خوشان را برای سرنگونی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق آماده سازند.

ترکیب طبقاتی زحمتکشان بلوچ عمدتاً خرده - بورژوازی شهر، کسبه، کارمندان، دانش‌آموزان و دهقانان و عشایر، نیمه پرولتاریا و بندرت پرولتاریا (صرفاً در بخش خدمات، کارگاه‌های کوچک) می‌باشد.

قهر ضد انقلابی را باید با قهر انقلابی درهم شکست، حکومتگران سرمایه‌دار بهیچ‌و به هیچ قیمت حاضر نخواهند بود که قدرت را از طریق مسالمت و همه‌پرسی در اختیار طبقات ستمکش قرار دهند. طبقات ستمکش چاره و گریزی جز توسل به قهر انقلابی و واژگونی قهرآمیز - دستگاه بوروکراسی و نظامی (دولت) طبقات ستمگر را ندارند، اما اینکه بگوئیم باید قهر انقلابی را بکار گرفت و فقط در حرف صحبت از قهر بنمائیم کافی نیست باید در عمل شیوه‌های کار بست اعمال قهرآمیز را نشان داد.

واژگونی دولت سرمایه‌داران یک عمل مجرد نیست بلکه در پی تکوین و تکامل مبارزه طبقاتی طبقات استثمارشونده حاصل می‌شود. برای اینکه بتوانیم مبارزه طبقاتی را تا مرحله سرنگونی و برپایی نظام بی طبقه رهبری کنیم، باید درک درستی از ساخت جامعه، توازن نیروها، موضع گیری طبقات، سطح تکامل مبارزه طبقاتی شیوه‌ها و اشکال مبارزاتی طبقات گوناگون داشته باشیم. و براین اساس یک نقشه مشخص برای پیش برد امر مبارزه از یک مرحله به مرحله دیگر را داشته باشیم.

در انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری ایران، طبقه کارگر اصلی‌ترین طبقه - ای است که امر پیشبرد مبارزه طبقاتی را بعهده دارد. انقلاب دمکراتیک توده‌ای ایران به پیروزی نمی‌رسد مگر آنکه هژمونی این طبقه برقرار گردد و این امر بوسیله پیش‌آهنگ مبارزه طبقاتی و تشکیل حزب طبقه کارگر به همت کمونیست‌ها قابل حصول است. غیر از این طبقه، زحمتکشان شهر و روستا در انقلاب شرکت میکنند، مسئله ملیت‌ها و حق تعیین سرنوشت ملل نیز مسئله دیگری است که انقلاب دمکراتیک باید بدانها پاسخ مشخص بدهد. ملیت‌های تحت‌ستم نیز در انقلاب شرکت میکنند. زحمتکشان این ملیت‌ها بنا بر ستم ملی و طبقاتی که متحمل میشوند در انقلاب شرکت

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

اخبار:

منطقه

به تنفر شدید اهالی از پاسداران کوچکترین حرکت پاسداران و یا مخالفین پاسداران و حکومت فوراً در سرتاسر منطقه می‌پیجد. اعمال توطئه‌گران پاسداران نه تنها موجب هراس اهالی نمیشود بلکه آنها با هوشیاری بیشتر عمل مینمایند و تنفرشان نسبت به پاسداران و رژیم چندین برابر میگردد.

منطقه قصرقند - تاریخ ۲۶/۱۱/۶۳:

بدنبال عملیات جنبش آزادیخواهان بلوچ به مناسبت ۲۲ بهمن که اعلامیه آن در شماره ۲۲ بامی‌استار درج گردید، پاسداران بچار سرگیجه شده و دیوانه‌وار به ایذا و آزار زحمتکشان پرداختند زحمتکشان شدیداً در مقابل اعمال وحشیانه پاسداران مقاومت نموده و مرعوب توطئه‌های پاسداران نمیشوند.

چند تن از عشایر زحمتکش که مشغول پیدا کردن شتر گم شده‌اشان بوده‌اند توسط پاسداران دستگیر و صحنه اعدام مصنوعی در بیابان برایشان ترتیب داده میشود. پاسداران به زحمتکشان میگویند که اشهدتان را بخوانید و وصیتتان را بکنید. زحمتکشان پاسخ میدهند، ما وصیت‌های نداریم امروز که شما صاحب قدرت هستید بدین صورت دعوی عدالت دارید؟ بیگناهان را بدون اینکه بدانید کجا زندگی میکنند برایشان صحنه اعدام ترتیب میدهید؟ پاسداران خجلت زده به چادرهای آن حوالی میروند و ساکنین چادرها را تحت فشار قرار میدهند که شما به مخالفین دولت کمک کرده‌اید، یکی از اهالی را با خود می‌برند و بعد از چند روز شکنجه آزادش میکنند.

متعاقب این تعقیب پاسداران با طرح یک حقه دست دو پاسدار بومی را می‌بندند و خود را بصورت مخالفین دولت درمی‌آورند و به چادرهای اطراف میروند و از چادر نشینان میخواهند که آنها را کمک کنند. زحمتکشان متوجه خیمه شب بازی پاسداران میشوند و از هر گونه کمک خودداری میکنند. با اینحال روز بعد پاسداران دوباره به آن منطقه رفته و مردم را تحت فشار قرار میدهند که دیروز عده‌ای "اشرار" برادران پاسدار ما را اسیر کرده و از اینجا گذشته‌اند شما بآنها کمک نموده‌اید، با توجه

اواخر بهمن - زابل:

بر اثر طغیان رود هیرمند مناطق وسیعی از سیستان و تعدادی از دهات اطراف منطقه بیرجند زیر آب رفت و در اثر برودت شدید و یخبندن آن خسارات مالی و جانی فوق العاده‌ای به بار آمد دهقانان و دامپروران متحمل شدیدترین خسارات گردیدند. اجساد سرشماری شده در حدود شش هزار نفر میباشند که بلندگوهای ارتجاعی رژیم تعداد آنها را ۲۰۰ نفر گزارش میدهند. این مصیبت در تاریخ سیستان بی سابقه بوده است، اما بی سابقه‌تر برخورد ددمنشان جمهوری اسلامی می‌باشد که هیچگونه امکاناتی در اختیار سیل زدگان قرار نمیدهند، نه تنها کمک‌شایانی به خسارت دیدگان نمی‌کنند بلکه واقعیات را نیز گزارش نمیدهند و شدیداً از پخش درست اخبار جلوگیری میکنند تا موجب رسوایشان نشود، اما رژیم غافل از اینکه آنقدر در نزد توده‌ها رسوا و بی‌اعتبار است که زحمتکشان حتی انتظار کمک بیشتری از آن ندارند.

اواخر بهمن ماه ۶۳:

در اثر تیراندازی کمیته‌ایهای جلاد و جناح یتکار یکی از فرزندان زحمتکشان بلوچ بنام عبدالرضا کهرازی در نزدیکی میرجاوه شهید گردید روز بعد جسد نامبرده بوسیله سید نصر از بستگانش در مقابل کمیته میرجاوه با شعار مرگ بر کمیته‌ای و عاملین قتل باید دستگیر گردند حمل میشود. جسد را به زاهدان می‌برند و در آنجا بخاک میسپارند.

عبدالرضا کهرازی در اثر بیکاری بهمراهی عده‌ای دیگر مقداری وسایل ایرانی را پیاده حمل بقیه در صفحه ۴

کمیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

اخبار ...

بقیه از صفحه ۳

میشوند تا از دبیر مجددا دعوت بعمل آورند ، تا اواخر بهمن ماه دبیر از برگشت مجدد امتناع می‌ورزد و دانش‌آموزان به مقاومت خود ادامه میدهند .

اسفند ماه ۶۲ - چاه بهار :

حدود ۷۰ نفر پیر و جوان برای اعزام به جبهه جنگ دستگیر میشوند ، زحمتکشان از رفتن به جبهه شدیداً متنفر هستند و پاسداران و سایر نیروهای مسلح رژیم برای فرستادن جوانان به جبهه متوسل بزور میشوند .

اسفند ماه ۶۲ - فیروز آباد :

زنان فیروز آباد به پاسداران حمله نموده شیشه‌های ماشین و سر یکی از سرنشینان خودرو را با سنگ و چوب می‌شکنند . موضوع از این قرار بود که چند نفر فارس به خانه یکی از اهالی می‌آیند . جاسوسی به سپاه راسک شکایت می‌برد که فلانی چند نفر فارس آورده و میخواهد آنها را از مرز عبور دهد . یک گروه پاسدار بدانجا هجوم می‌برند تا فارسها و فرد مزبور را دستگیر کنند که با مقاومت شدید زنان اهالی روبرو میشوند . پاسداران دوباره با رای و مشورت مولوی راسک برمیگردند ، یکی از اهالی و مهمانی که داشته و گویا فارس بوده است را با خود می‌برند از سرنوشت آنها خبری در دست نیست .

اواخر اسفند ماه :

چند نفر از اهالی گرمین بیط و هدار و حومه را به اتهام همکاری با جنبش آزادخواهان بلوچ و همکاری در عملیات مسلحانه بمناسبت ۲۲ بهمن دستگیر میکنند . باستانهای یک نفر بقیه آزاد میگردند از سرنوشت آن یک نفر زندانی خبری دقیقی در دست نیست .

اسفند ماه ۶۲ - قصرقند :

یک بسیجی با اسم مولابخش باشنده که یکبار بطور داوطلبانه به کردستان جهت جنگ با انقلاب بیون کرد فرستاده میشود ، مقداری شیرینی را دا-

بقیه در صفحه ۵

میکرده‌اند تا از فروش آنها مخارج زندگی خود را تامین کنند . اما جلادان ددمنش رژیم خمینی به جای بوجود آوردن کار برای زحمتکشان آنها را هدف گلوله قرار داده و از پای درمی‌آورند .

اختلاف در میان حکومتگران :

بهمن ماه ۶۲ ساختمان‌های متعلق به بهداری و بهزیستی توسط کمیته‌های اشغال میگردد . خا- دم رئیس بهزیستی فعلی و معاون امام جمعه زاهدان که از جامعه سیستانیهها و جناح حجتیه طرفداری میکند کارمندان را تحریک و وادار به مقاومت می‌نماید ، کمیته‌های این بار عقب نشینی میکنند بار دوم با چاقو و تفنگ و قهقهه به جان کارمندان می‌افتند و آنها را مجروح ساخته خادم خائن و جلاد دانشجویان دانشگاه بلوچستان شدیداً مضروب و مجروح میگردد ، که در همان روز بوسیله هواپیما به تهران جهت معالجه انتقال داده می-شود .

زاهدان :

دبیر زیست‌شناسی دبیرستانهای زاهدان ، سر کلاس درس ، تکامل را برای دانش‌آموزان بشیوه علمی تدریس می‌کند . بعد از اتمام جلسه درس ، دبیر به دفتر احضار میگردد و بوی تذکر داده میشود تا روش خود را تغییر دهد . اما دبیر به تذکرات واقعی ننهاده به روش خود ادامه میدهد . اینبار وی شدیداً تهدید به اخراج میگردد . دبیر با شهامت در جلسه‌ای دیگر روی تخته سیاه مینویسد (مرک بر جاسوس) تمام دانش‌آموزان یکصد فریاد میزنند ، مرک بر جاسوس ، دانش‌آموزان کلاسهای دیگر نیز اعلام همبستگی نموده و شعار مرک بر جاسوس را تکرار میکنند .

دبیر مزبور از دبیرستان اخراج میگردد و بجای وی یک پزشک به کلاس فرستاده میشود که مخالفت شدید دانش‌آموزان روبرو میگردد ، دانش‌آموزان خواستار برگشت دبیر خود میشوند . کلاسهای زیست‌شناسی برای مدتی تعطیل می‌گردند . مسئولین در مقابل مقاومت دانش‌آموزان وادار

اخبار . . . بقیه از صفحه ۴

خل عکس‌خمینی می‌پیچد و به بسیج میرود و به دوستان بسیجی و پاسداران شیرینی تعارف میکند پس از برداشته شدن شیرینی‌ها عکس‌خمینی ظاهر میگردد. پاسداران نامبرده را به باد ناسزا و کتک میگیرند، مولا بخش برای تلافی روز دیگر چشم و دهان عکس‌خمینی را سوراخ کرده داخل جیب میگذارد عکس بدست بسیجیها می‌افتد، مولا بخش توسط سپاه دستگیر شده و شدیداً شکنجه میشود جاسوس خائن برای نجات جان خود اسم چند دانش‌آموز را میبرد. آن افراد بیگناه نیز دستگیر شده از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

زاهدان - دانشگاه بلوچستان :

جلسه امتحان اسلامیات یکی از دانشجویان دختر با کفش پاشنه بلند به جلسه میرود که با مخالفت شدید پاسدار دم در روبرو میشود وقتی دختر دانشجو دلیل را می‌پرسد پاسدار پاسخ میدهد که کفش‌های تو صدا میدهد و باعث جلب نظر پسران میگردد برو کفشهایت را عوض بکن بعد میتوانی در جلسه امتحان شرکت نمایی . دختر شدیداً مخالفت می‌نماید و دانشجویان دختر دیگر نیز به مخالفت برمیخیزند و دختر دانشجو حاضر به تعویض کفشها نمیشود.

خاش - "تبرک اسلامی" :

فرزند بسیجی آقای کرم‌پور از طرفداران سرسخت جمهوری اسلامی وارد اطاق نماینده امام می‌شود که با منظره شنیعی روبرو میگردد. حجت اسلام سامعی نماینده امام را با مادرش در اطاق لخت می‌یابد. مسئله را به سپاه و پدرش گزارش میدهد. فرمانده سپاه وی را تهدید میکند که خاموش شود. آقای کرم‌پور وسایل سفر را میبندد و چند روزی در خاش پنهان میشود. یک روز سرزده وارد اطاق حجت‌الاسلام سامعی میگردد که همان منظره شنیع را مشاهده میکند. کرم‌پور زنش را طلاق میدهد. موضوع پنهان نمی‌ماند و خاص و عام اطلاع می‌یابند نماینده امام به زاهدان فرا خوانده میشود و از آنجا به جای نامعلومی فرستاده میشود. آخوند قدیمی و تریاکی خاش کرم -

پور را بنزد خود فرا می‌خواند و بوی میگوید اولاً که نماینده امام به زن شما دست‌درازی نکرد ده ، اگر هم کرده باشد در آن مدت کوتاه زن شما را صیغه نموده است و از این گذشته حجت‌الاسلام سامعی نماینده امام است و زن شما را تبرک نموده است ، کرم‌پور را بزور با زنش آشتی میدهند .

آری نمایندگان امام و امامیان به کثیف‌ترین و شنیع‌ترین جنایات مشغولند آنها جنایت خود را تحت لوای پوششهای مذهبی انجام میدهند این در حالی است که شکنجه‌های مست‌خمینی در خیابانها پرسه میزنند و زنان و دختران را به جرم نداشتن حجاب و روسری و پوشیدن کفش پاشنه بلند مورد ایذا و آزار قرار میدهند.

اواخر اسفند ماه :

گروهی از افراد مسلح بلوچ در منطقه " مند و باغ نیل " به کمین پاسداران ضد خلقی می‌نشینند در این درگیری ۴ پاسدار مزدور کشته و دو تن زخمی می‌شوند ، لازم بتذکر است که دوتن از پاسداران کشته شده یکی رئیس سپاه پاسداران دلگان و دیگری رئیس بسیج بزمان بوده است .

قصر قند - اواخر اسفند ماه :

روستای شادیکور از توابع قصرقند توسط کریم نظرزهی جاسوس معروف منطقه شناسائی و مورد حمله قرار میگیرد پاسداران اقدام به تیراندازی میکنند. دو نفر مرد مسلح در آن روستا حضور داشته که یکی دستگیر شده ، دومی اقدام به مقاومت میکند اما اسلحه وی آتش نمی‌برد و دستگیر میشود . دو فرد مسلح شدیداً شکنجه میشوند .

عملیات بمناسبت سالگرد شهادت فداائی شهید شفی محمد زین الدینی و چهلمین روز شهادت فداائی شهید سعد حسین زهی :

در تاریخ ۲۹ اسفند ماه شصت و دو در جاده قصرقند - چاه‌بهار در یک کیلومتری ده هدار یک بقیه در صفحه ۶

اخبار... بقیه از صفحه ۵

گروه از نیروهای مسلح جنبش آزادخواهان بلوچ به کمین پاسداران ضد خلق این مزدوران جنایت و سرمایه نشستند، راس ساعت ۹/۳۰ دقیقه دو تو-یوتا کروزر حامل ۱۸ پاسدار به کمین نیروهای "جانب" افتاد. آتش مسلسل‌های سرمچاران مجال هرگونه تحرك را از پاسداران سلب کرده، هر دو خودرو از کار افتاد، ۸۶ پاسدار در دم هلاک و ۶ نفر زخمی گردیده، افراد جنبش در کمال سرافرازی و با نظم انقلابی عقب‌نشینی نمودند.

خلیق زحمتکش بلوچ:

پاسداران ضد انقلاب از آنجهت مورد هدف نظامی قرار گرفتند که این مزدوران توان نفس کشیدن را از شما زحمتکشان سلب نموده‌اند، اینها در میان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نقش اساسی دارند. اصلی‌ترین نیروی سرکوب بوده و اکثر جنایاتی که در کشور صورت می‌گیرد بدست همین مزدوران است، نیروهای مبارز بخصوص فدائی شهید زین الدینی و فدائی شهید صمد بدست‌همین جلادان بشهادت رسیدند، و همچنین مورد تنفر شدید کلیه زحمتکشان میباشند. ما از شما مردم زحمت کش دعوت بعمل می‌آوریم برای نابودی رژیم سرما-یه داری متحد شوید.

"هشدار به جاسوسان"

رژیم جمهوری اسلامی پاسدار سرمایه جنایت و خون هیچگونه قانونیتی برای ماندن ندارد، تمام مصائب و بدبختیهای مردم زحمتکش ایران از ناحیه همین رژیم میباشد. این رژیم باید برافتد. ما به شما کسانی که ناخودآگاه و یا آگاهانه با این رژیم همکاری دارید. هشدار میدهیم این رژیم در هر صورت رفتنی است و خواهد رفت، هرگونه همکاری با این رژیم از دیدگان خلق پنهان نخواهد ماند. قبل از آنکه دچار آتش خشم نیروهای انقلاب واقع گردید، همکاری خود را با رژیم ددمنش و سفاک قطع کنید در غیر اینصورت مسئولیت هرگونه پیش‌آمد ناگوار بعهد خود شما خواهد بود.

مرک بر رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

مرک بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی
امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلی
حق ملل در تعیین سرنوشت حق مسلم
آنهاست

جنبش آزادخواهان بلوچ

۳۳/۱/۲

چاه بهار:

در نیمه اول فروردین ماه ۶۳ یک نفر زحمتکش بلوچ با نام دادرمان فرزند حلانه ساکن کارانی از توابع نشتیاری مورد سوطن ما مورین ژاندارمری قرار گرفته بوی ایست میدهند. فرد مذکور متوجه ایست آنها نشده و از طرف ما مورین بسوی وی تیراندازی میشود و مورد اصابت گلوله قرار گرفته و جان میسپارد.

۳۳/۱/۱۴

پاسداران ارتجاع جاده ایرانشهر - کلینک را به کنترل خود درمی‌آورند محدود ساعت ۱۶ يك موتور با دو سرنشین سر می‌رسد. پاسداران موتور را به رگبار می‌بندند که در دم هردو نفر کشته میشوند. پاسداران فوراً محل را ترك میکنند و لحظه‌ائی بعد هشت ماشین پاسدار سرسیده دوجسد را با خود می‌برند.

فروردین ماه:

در تاریخ ۲۶ فروردین ماه کمیته‌ایهای زاهد آن به مقر جامعه سیستمها حمله کرده و آنرا اشغال می‌کنند. که این عمل خشم متقابل دست - اندرکاران جامعه سیستمها را برانگیخته و آنها هم با شعار مرگ بر خمینی، مرگ بر رفسنجانی برای پس گرفتن آن به حرکت درمی‌آیند که با تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور کمیته‌ایها موا-جه شده و در نتیجه آن ۸ زابلی و ۴ بلوچ کشته میشوند ولی بالاخره موفق به پس گرفتن مقرشان میشوند. جریان از این قرار بوده که کمیته‌ایها میخواستند در انتخابات عبادی نمایند خیمینی را انتصاب کنند که بخاطر بومی نبودنش مورد مخا-

بقیه در صفحه ۱۱

مرگ بر خمینی جلاد

بررسی تحولات اجتماعی بلوچستان و وظایف ما

بامی‌آستار نشریه هواداران سازمان چریک-های فدائی خلق ایران در سیستان و بلوچستان از این شماره به بعد اقدام به انتشار یک سلسله مقالات در مورد تحولات اجتماعی بلوچستان و تعیین وظایف پیشرو در منطقه می‌نماید، باشد تا بدینوسیله بر پراکنده‌کاریها فائق آمده و امر مبارزه طبقاتی را در بلوچستان و مبارزات زحمتکشان بلوچ را در جهت پیوند با مبارزات سایر خلقها به رهبری طبقه کارگر ایران با درکی بهتر رهبری نمائیم .

مقدمه :

اصلی وی این است بلکه بدین جهت که اجرای این خواست یکقدم او را به سوسیالیسم نزدیک میکند همانطوریکه پرولتاریا وظایف سوسیالیستی را در می‌فراموش نمی‌کند، وظایف دمکراتیک را نیز برای هموار نمودن مبارزه اقتصادی (سوسیالیستی) به پیش می‌برد تا دمکراسی را برقرار ساخته و محیط را برای پرورش روحیه سوسیالیستی کسب طبقه کارگر و جامعه را برای برقراری سوسیالیسم مهیا سازد. بدین منظور پرولتاریا برای بدست آوردن دمکراسی و حفظ آن به تشکیلات مستقل طبقاتی نیاز دارد.

اگر چه در مبارزه سوسیالیستی که همانا جنگ پرولتاریا با سرمایه‌داری است پرولتاریا تنهاست و فقط از حمایت عده معدودی خرده‌بورژوازی واقعا فقیر که منافع نزدیک با منافع پرولتاریا دارند، برخوردار است، در مبارزه - برای دمکراسی او تنها نیست، بلکه سایر طبقات و عناصری که دیکتاتور ضد انقلابی بنحوی بر آنها اعمال میشود، با وی همگام هستند. این طبقات که متحدان پرولتاریا در امر پیشبرد مبارزات دمکراتیک میباشند در هر عصر و مرحله انقلابی تفاوت دارند. طبقاتی که با رژیم استثمارگران تضاد داشته و تضاد آنها هم جهت با تکامل اجتماعی باشد، در مبارزه دمکراتیک، بقیه در صفحه ۸

خواست دمکراتیک عبارت از خواستی است که در برابر حاکمیت مطرح میباشد و هر حکومتی در قبال مردم مسئول پرداخت و اجرای آن حقوق میباشد. به این حقوق که اجرای آنها رژیم را دمکراسی میکند، حقوق دمکراتیک میگویند. آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی قلم، اتحادیه، انجمن، آزادی اعتصاب، آزادی انتخابات، سفره، اختیار دین، تعیین شغل، مسکن، مسئله حقوق تعیین سرنوشت، مسئله زنان، آزادیها، دمکراسی، تکی هستند که رژیم اجتماعی آنها را باید پرداخت نماید. این مسائل دمکراتیک که در رابطه با طبقات شرکت کننده در یک مرحله از انقلاب و همچنین طبقات موجود در یک جامعه جنبه عمومی دارد، نمی‌توانند ما و رای طبقاتی باشند. رعایت این آزادیها از طرف رژیمهای اجتماعی با ماهیت طبقاتی مختلف یعنی دمکراسی خرده‌بورژوازی، دمکراسی بورژوازی و همچنین مبارزه طبقات تحت‌ستم جهت کسب این حقوق در رژیمهای مختلف، تفاوت فوق العاده دارد. دمکراسی و مبارزه بخاطر آن نمی‌تواند یک مفهوم عام و غیر طبقاتی باشد، بلکه فقط در مقابل طبقات معنی و مفهوم پیدا می‌کند. دمکراسی پرولتری که در واقع دیکتاتوریش نیز میباشد، عبارتست از شرکت اکثریت کارگران و زحمتکشان در حکومت

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

بررسی ...

بقیه از صفحه ۷

با پرولتاریا اتحاد عمل داشته و متحدان پرو-لتاریا بحساب می‌آیند. مبارزه بر ضد تعدیات پلیسی، خوشریهای صاحب منصبان اداری و صاحبان قدرت، مبارزه بر ضد تفتیش عقاید، مبارزه بر ضد استعماری ملی، مبارزه بر ضد اختناق و زندان مبارزه زنان، مبارزاتی هستند که علاوه بر پرولتاریا طبقات دیگری نیز در آنها ذینفعند و برای تحقق آنها پرولتاریا باید به تبلیغ و ترویج انقلابی بپردازد و حمایت طبقات ذینفع را برانگیزاند.

اما همانطور که در بالا یادآور شدیم طبقات از کیفیت یکسانی برای حصول دمکراسی برخوردار نیستند. پرولتاریا بنابه سرشت خود که در جا - معه سرمایه‌داری دارد تا به آخر انقلابی بوده و با سرمایه‌داران و ملاکان سازشی ندارد.

خرده‌بورژوازی بنابه ماهیتش دو پهلوست دارای تزلزل و ناپیگیری است. زمانی که تحت هژمونی و آلترناتیو حکومتی پرولتاریا درمی - آید. واقعا دمکرات و انقلابی است و هر وقت تحت هژمونی بورژوازی و دستگامش قرار میگیرد آلوده میگردد و به موضع ضد انقلابی سقوط میکند همانطوریکه خرده‌بورژوا از نظر اقتصادی خرده - مالک و طرفدار مالکیت خصوصی است از نظر سیاسی هم به سوی بورژوازی روی می‌آورد. این دوگانگی خرده‌بورژوازی زمانی بنفع پرولتاریا شکننده خواهد بود که وی برنامه حداقل پرولتری را بپذیرد و رهبری پرولتاریا را قبول نماید. فقط آن نیرو را در این عصر دمکرات انقلابی میتوان گفت که واقعا برنامه حداقل پرولتری را بپذیرد این احزاب و عناصر دمکرات در میان خرده‌بورژوا - ازی شهر و روستا و دهقانان یافت میشود زیرا هم از طرف ملاکان و هم از طرف حکومت سرمایه - داران و صاحب منصبان اداری و پلیس و ژاندار - مری تحت فشار قرار دارند.

دلیل مادی دو پهلویی دهقانان و یا خرده - بورژواها عبارتست از بلعیده شدن سرمایه‌اشان بوسیله سرمایه بزرگ از یک طرف و کاری که خودشان روی وسایل تولید متعلق بخودشان انجام میدهند. از سوئی همین دوگانگی از یک طرف

خرده‌بورژوا را در رده پرولتاریا و در تضاد با سرمایه‌دار قرار میدهد و از طرف دیگر چون یک سرمایه‌دار خرد و طرفدار مالکیت خصوصی است، حرص و ولع فراوان برای سرمایه‌دار شدن دارد، او را در ردیف سرمایه‌داران قرار میدهد. بالا - خره خرده‌بورژوازی همیشه بین پرولتاریا و سرمایه‌داران در نوسان است. وقتی بسوی سرمایه‌دار - ان گرایش پیدا میکند، دمکراسی و مبارزه‌اش - آلوده میگردد و وسیله‌ای برای سرکوبی مبارز - ات پرولتاریا درمی‌آید. خرده‌بورژوا بسادگی از سوی بورژوازی خریدار میشوند و سرمنشأ آلودگی میباشند.

دمکراسی سرمایه‌داران عبارتست از آزادی عمل وسیع برای اقلیت سرمایه‌دار و اختناق و قید و زنجیر برای اکثریت تولید کننده. بورژوازی در این عصر به مقامی ارتقا یافته است که وجودش ناقض دمکراسی میباشد، دمکراتیکترین دولت‌های سرمایه‌داری در واقع چیزی نیستند جزه دیکتاتوری طبقه سرمایه‌دار و دمکراسی بورژوازی عبارتست از دیکتاتوری بورژوازی پارلمان سرمایه‌داران چیزی نیست جز اینکه هر از چند گاهی عده‌ای از سرکوبگران زحمتکشان بدانجا رفته تا قوانین بورژوازی ضد مردمی را تصویب و اعمال نمایند و آزادی مردم در این رابطه محدود میشود به فرستادن این سرکوبگران به پارلمان، همین و بس.

حق تعیین سرنوشت ملل یکی از مسائل دمکرا - تیک انقلاب نوین به رهبری پرولتاریا میباشد. دیگر بورژوازی بخاطر مسئله ملی انگیزه‌هایی برای رفع آن ندارد بلکه خود بخصوص در کشورچند ملیتی ایران که طبقه سرمایه‌دار دارای منافع مشترکی و یک طبقه سرتاسری است، عامل اعمال و پایگاه اجتماعی امپریالیسم جهانی میباشد. خرده بورژ - وازی گرچه از استعماری ملی رنج میبرد و عصیان نیز می‌نماید. پیگیری و قاطعیت پرولتاریا را حتی در همین مبارزه ندارد. او همیشه مستعد است تا با سرمایه‌داران سازش نماید. فقط پافشاری روی دمکراسی پرولتری و رهبری آن است که خرده‌بورژوازی را بسوی دمکرات و رادیکال شدن، و رادیکالها را به سوی قطع علاقه با - بقیه در صفحه ۹

بررسی . . . بقیه از صفحه ۸

دمکراسی بورژوازی سوق میدهد .

تشکیلات رهبری کننده مبارزه طبقاتی :

وقتی صحبت از رهبری مبارزه طبقاتی توسط پرولتاریاست، هر دو شکل آن مد نظر قرار دارد هم مبارزه سوسیالیستی و هم مبارزه دمکراتیک تفکیک این دو مبارزه و به انتزاع در آوردن آن و نادیده گرفتن مبارزه سوسیالیستی تحت پوشش عمده بودن مبارزه دمکراتیک فقط کار دشمنان سوسیالیزم است. مبارزه سوسیالیستی و مبارزه دمکراتیک دو روی یک سکه اند.

اگر وظایف سوسیالیستی حکم میکند که ترویج ماهیت سرمایه داری و مبارزه طبقاتی و مناسبات میان طبقات و ترویج آموزشهای سوسیالیستی را اصلی ترین وظیفه خود بدانیم وظایف دمکراتیک حکم میکند که مفهوم صحیح حکومت مطلقه و صور فعالیت آنرا توضیح دهیم پس برای نابودی حکومت و فراخوان طبقات در تضاد با حکومت باید مفهوم طبقاتی حکومت را روشن نمود، طبقه ای را که پاسدار دستگاه عریض و طویل این حکومت است، نشان دهیم. تنها طبقه ای قادر به پیشبرد تا باخر این مبارزه است که در دشمنی سرسخت و آشتی ناپذیر با این حکومت و طبقه ای که نظم را در دست دارد، باشد. و در این عصر جزه پرولتاریا و برنامه اش هیچ طبقه دیگری قادر به پیشبرد این امر نیست. پرولتاریا آن مبارزه - پیگیری است که باید تشکیلات مستقل خود را برای پیشبرد مبارزه طبقاتی بوجود آورد و آنرا بهیچ وجه نباید با سایر تشکلات غیر پرولتری و خرده بورژوائی آلوده سازد. پرولتاریا نباید لحظه ای از تفکر استقلال طبقاتی خود نسبت به سایر طبقات دست بردارد. هرگونه فکر امتزاج - دمکراسی پرولتری و تشکیلات پرولتری با دمکراسی و تشکیلات غیر پرولتری خطری است بس جدی که در نهایت فاصله گرفتن از اصول - ل است. در تدارک بودن برای یک تشکیلات متشکل از چند طبقه برای پیشبرد یک امر دمکراتیک مثلاً حصول حق تعیین سرنوشت بدون در نظر داشتن

استقلال طبقاتی، تشکیلاتی پرولتاریا نمیتواند جز خنده دار بودن معنی دیگری داشته باشد. این تشکیلات چند طبقه بدون هویت طبقاتی محکوم به فنا خواهد بود. زیرا فقط تئوری انقلابی است که یک جنبش انقلابی را رهبری میکند و فقط استقلال و انضباط طبقاتی است که در مقابل حکومت استبدادی یارای مقاومت دارد. خرده بورژوازی ترسو و بزدل که مستعد سازش است، تشکیلات را بر اساس سازش و بندوبست پی ریزی میکند - دمکراسی پرولتری را نقصان میدهد آنرا سرودم - بریده میسازد. امتزاج فعالیت دمکراتیک و تشکیلات طبقه کارگر با دمکراتیسم و تشکیلات سایر طبقات و دستجات نیروی جنبش دمکراتیک را تضعیف میسازد. متمایز ساختن تشکیلات پرولتری در مبارزه دمکراتیک بمثابه طبقه پیشرو، جنبش دمکراتیک را تقویت میکند. یک ملت - بالاخره به طبقات تقسیم میشود و طبقه است که برای مارکسیست - لنینیستها موضع کلیدی دارد. درهم آمیزی این طبقات چیزی جز رویزیونیسم و خلق گرایبی مفهوم دیگری ندارد. طبقه است که هم دمکراسی وی و هم مبارزه و هدفش روشن است در مبارزه بر علیه دشمن مشترک ضد انقلابی است که دو طبقه انقلابی با تمایز طبقاتی - تشکیلاتی متحد میشوند. پرولتاریا بنابه نقش خودش در تولید و میزان آگاهی و شعورش و بخصوص اینکه سوسیالیزم علمی را بعنوان ایدئولوژی دارد و ایدئولوژی مارکسیستی و فلسفه علمی پیروی میکند تنها سلاح برنده اش بر علیه سرمایه داران حزب است، و از آنجائیکه تمام انحرافات در جنبش دمکراتیک ضد امپریالیستی خاستگاهی خرده - بورژوائی دارند، و تنها طبقه تا به آخر مبارزه و انقلابی برای دمکراتیزه کردن تام و تمام کشور طبقه کارگر است، پرولتاریا چگونه میتواند صرفاً برای یک مسئله دمکراتیک از طبقات دیگر دعوت نماید در تشکلی گرد آیند که همه دارای یک مقام و یک رده و قوه تصمیم گیری باشند و از هژمونی طبقاتی هم خبری نباشد؟ این هرگز ممکن نخواهد بود.

تشکلهای دمکراتیک عبارتند از تشکلهائی که برای دستیابی به خواستی دمکراتیک و صنفی بقیه در صفحه ۱۰

بررسی . . .

بقیه از صفحه ۹

بسوی پرولتاریای سرتاسری نمود؟

اگر روشنفکران ملیت تحت‌ستم واقعا کمو- نیست بوده و منافع پرولتاریا را نمایندگی می‌کنند باید در فکر پیاده کردن سیاست پرولتری یعنی جلب حمایت دهقانان از پرولتاریای سرتاسری باشند. سیاست پرولتاریا برای جلب حمایت مبارزات دهقانان، رهبری مبارزات آنهاست نه انحلال تشکیلات خود در آنها و امتزاج دمکراسی خود با دمکراسی خرده‌بورژوازی و بورژوازی. عمل تشکیلاتی پرولتاریا در مورد حق تعیین سرنوشت ملیتها عبارتست از متحد ساختن پرولتاریای سرتاسری در يك تشکیلات سرتاسری و رهبری مبارزات زحمتکشان ملیتها در تشکلات مخصوص آنها و سرنگونی حکومت سرمایه‌داران و قائل شدن حق جدائی، و یا اتحاد داوطلبانه آن ملیتها در يك حکومت مقتدر پرولتری. فقط از این طریق است که حق تعیین سرنوشت به معنای واقعی قابل حصول است.

حال بعد از این مقدمات ما در مقابل يك ملیت تحت‌ستم بنام بلوچ قرار داریم که از سوی امپریالیسم و گرایش ناسیونالیستی ملیت فارس تحت‌ستم قرار دارد. برای روشن نمودن ابعاد ستم ملی و موضع طبقاتی طبقات موجود در این ملیت و پاسخ صریح و مشخص دادن به امر مبارزه شایسته است يك بررسی هرچند مختصر از تحولات اجتماعی و سیاسی و مسائل کلی ملیت بلوچ بنمائیم.

تحولات تاریخی - اجتماعی

برای دستیابی به يك درك درست از مسائل بلوچستان لازم است که طبقات موجود در بلوچستان مشخص شده و زوایای مسئله ملی واضح گردد. به منظور رسیدن به این هدف باید به گذشته بلوچستان و سیر تکوین تحولات اجتماعی نظری بیندازیم.

گرچه سند مستندی در این مورد در دست نیست و تاکنون تحقیقات و بررسی علمی درباره تحولات اجتماعی بلوچستان نشده، و آنچه در دست است فاقد ارزش علمی بوده و به هیچ وجه طبقات و بقیه در صفحه ۱۰

فعالیت می‌نمایند، مانند کانون معلمان، کانون پزشکان، انجمن پرستاران و یا حتی تشکیلات علنی و صنفی خود کارگران، این تشکلات برای بدست آوردن حقوق صنفی و حتی سیاسی خود با حکومت مطلقه مبارزه می‌کنند، این تشکلات نه تنها نباید محدود و عملشان به مسائل صنفی محدود شود بلکه باید نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی موضع‌گیری نمایند. این تشکلات زمانی از قاطعیست لازم برخوردار بوده و برندگی خواهند داشت که برنامه پرولتری را نیز بپذیرند و از آن در مبارزه خود سود جویند. این تشکلات همان تشکلاتی هستند که وسیعترین ارتباطات را با توده‌ها دارند و برای تشکیلات انقلابیون حرفه‌ای ساده‌تر خواهد بود که از این طریق جنبش توده‌ای را رهبری کنند. این مسئله در يك کشور چند ملیتی و پیشبرد مبارزات ملیتها تحت‌ستم جهت‌حق تعیین سرنوشت نیز صحت دارد. ساختن يك تشکیلات گوناگون بدون حضور ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم برای پیشبرد امر مبارزه برگشت بعقب است. این عقب‌گرد ارتجاعی حاصلی جز قربانی نمودن مصالح نهائی پرولتاریا بخاطر منافع لحظه‌ای نمیتواند داشته باشد.

صورت دیگر مسئله: در يك کشور چند ملیتی در میان ملیتی پرولتاریای صنعتی وجود نداشت و نمایندگان سیاسی وی کمونیستها در این ملیت خواستند سیاستها و برنامه‌های پرولتری را به اجرا درآورند، چه نوع تشکیلات و سیاستی را باید در پیش گیرند؟ آیا باید با مطرح نمودن کار دمکراتیک تمام خلق را زیر سقف يك خیمه گردآوری کنند؟ و یا اینکه باید با تحلیل طبقاتی و برآورد میزان قدرت و استقامت مبارزاتی هر طبقه و قشر نسبت به امر مبارزه مثلا حصول حق تعیین سرنوشت و یا مسایل کلی انقلاب در آن کشور، بالنده‌ترین طبقه و اقشار تعیین گردد و آنها را در رابطه با تشکیلات سرتاسری پرولتری کشور سازماندهی نموده و دهقانان و سایر زحمتکشان انقلابی و عناصری که بنحوی تحت‌ستم طبقاتی و ملی قرار دارند، در تشکلهای مخصوص خود متشکل و آنگاه اقدام به جلب حمایت آنها

سرنگون باد رژيم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

ان سازشکار سازمان مجاهدین خلق با جناحی از لیبرالها بر رهبری بنی‌صدر شکل رسمی و علنی بخود گرفت و انقلاب ایران پس از سازش خائنه " اکثریتی‌ها " با ضربه دیگر از سوی رهبران مجاهدین خلق روبرو شد. چرا که در ماهیت امر تفاوت اساسی میان خط مشی این دو جریان وجود نداشت. یکی راه سازش با یک جناح بورژوازی بسرکردگی حزب جمهوری اسلامی را برگزیده و مجاهدین خلق نیز راه سازش با جناح دیگر بورژوازی یعنی لیبرالها را برگزیدند. با این تفاوت که هنوز در آن زمان تعداد زیادی از توده‌های مردم نمی‌توانستند ماهیت اعمال و سیاستهای سازشکارانه رهبران سازمان مجاهدین خلق را درک کنند.

اما امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از سازش رهبران مجاهدین خلق با بورژوازی لیبرال بسیاری از حقایق آشکار گشته است و ماهیت اعمال، رفتار و سیاستهای سازشکارانه آنها برملا گشته است.

انقلاب به سرعت توده‌ها را آموزش میدهد، توهامات را زایل می‌سازد، ماهیت ارتجاعی خط مشی‌های رفرمیستی و سازشکارانه را برملا میکند و صحت و حقایق خط مشی انقلابی پرولتاریائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را که پرچم مخالفیت با " شورای ملی مقاومت " را برافراشت، پیگیری، نه ماهیت این ارگان و برنامه بورژوا - رفرمیستی آنها افشا نمود و سیاست درهم شکستن آنها که سدی بر سر راه انقلاب ایران محسوب میشود در پیش گرفت، نشان داد.

امروز دیگر تردیدی باقی نمانده است که " شورای ملی مقاومت " با کلیت برنامه و تاکتیک آن با شکست روبرو شده است. خروج بنی‌صدر از " شورای ملی مقاومت " که خبر آن طی این هفته انتشار یافت خود بارزترین تجلی شکست و فروپاشی " شورای ملی مقاومت " و اضمحلال قطعی آن محسوب میگردد. از مدتها پیش روشن بود که پس از شکستهای مداوم این ارگان و برملا شدن نا توهامی آن در تصرف قدرت سیاسی، " شورای ملی مقاومت " با فروپاشی قریب الوقوع روبرو خواهد شد. خروج بنی‌صدر از " شورا " در حقیقت اعلان شکست برنامه و سیاستهای این ارگان و فروپاشی قطعی آن است.

بقیه در صفحه ۱۲

اخبار ...

بقیه از صفحه ۶

لغت قرار میگیرد که باعث این درگیریها میشود. ضمناً در همین اثناء دفتر نماینده خمینی نیز به آتش کشیده میشود، در این جریانات ۱۰۰ نفر از دست اندرکاران جامعه سیستانیهها دستگیر میشوند که بعداً تعدادی از آنها آزاد میگردند. در اعتراض به این مسئله مفازها تعطیل میشوند و شهر جو شلوغی بخود میگیرد. مولوی عبدالعزیز و پسرش که در این جریان از جامعه سیستانیهها حمایت می‌کنند و در همین رابطه عبدالعزیز به تهران فرا خوانده میشود. ناگفته نماند که جامعه سیستانیهها وابسته به جناح دیگر ارتجاعی جمهوری اسلامی یعنی انجمن حجتیه است.

اواخر فروردین ماه :

راسک، رئیس پاسداران راسک بهرامی بمنظور دستگیری یک نفر که مشمول سربازی بوده است وی را تعقیب می‌کند و چون به فرد مذکور دسترسی پیدا نمی‌کند اقدام به تیراندازی می‌کند، تیر به یک پسر بچه هفت ساله اصابت می‌کند و در دم جان می‌سپارد، این واقعه مورد خشم و غضب توده‌های زحمتکش راسک میگردد اهالی از زن و مرد اقدام به راهپیمائی و شعار دادن مرکب بر پاسدار می‌نمایند و بهرامی را گرفته بشدت مذبذب می‌نمایند پاسداران با یورش دامنشان به مردم بهرامی را از چنگ آنها نجات میدهند و به ایذا مردم می‌پردازند.

مزدوران خون آشام خمینی و سرمایه از هیچ جنایتی فروگذار نیستند آنها پای بند هیچ قانونی حتی قانون ارتجاعی خودشان نیستند به جان و مال زحمتکشان هر وقت اراده کنند تجاوز می‌کنند. برای زحمتکشان فقط یک راه باقی است آنها اتحاد و مبارزه و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق.

ایران

اخبار ...

تلاشی " شورای ملی مقاومت " قطعی است

در خرداد ماه سال ۶۰ هنگامیکه ائتلاف رهبر

زندانی سیاسی به قدرت توده‌ها آزاد باید گردد

اخبار ...

بقیه از صفحه ۱۱

این هیچ راه نجاتی برای آنها وجود نخواهد داشت.

تردید نیست که رهبران سازشکار مجاهدین خلق که طی مدت نزدیک به سه سال گام به گام در منجلب لیبرالیسم سقوط کرده‌اند لطامات جبران‌ناپذیری به انقلاب ایران وارد آورده‌اند، باز هم تلاش خواهند کرد تا شاید این موجود محض را که حاصل سازش‌بند و بست‌آنها با بورژوازی است حفظ کنند و حتی از طریق به اصطلاح چپ‌ها نیکه ممکن است بر خود نام مارکسیست نیز گذاشته باشند، اما جز لیبرال‌های وامانده و بی‌مقدار چیسز دیگری نیستند برای خود وجهه‌ای کسب کنند و شکست سیاستهای سازشکارانه خود را پرده پوشی کنند. اما انقلاب‌ماهیت تمام اعمال و رفتار آنها را فاش و برملا نموده است. تاریخ دست‌برد بر سینه آنها زده است و دیگر توده مردم هرگز به آنها اجازه نخواهند داد که بنام انقلاب و خلق علیه انقلاب و خلق گام بردارند.

رشد تضادهای درونی "شورای ملی مقاومت" کناره‌گیری بنی‌صدر از "شورا" و طلوع‌های فروپاشی قطعی آن یکبار دیگر این حقیقت مسلم را به اثبات رساند که در شرایط کنونی هرگونه راه‌حلهای بینابینی سازشکارانه و فرمیستی با شکست قطعی روبرو است. یا ضدانقلاب متمرکز یا قطعیت انقلاب، یا قاطعیت انقلابی پرولتری یا قاطعیت ضدانقلابی بورژوائی. این است راهی که در برابر انقلاب ایران قرار دارد. شکست "شورای ملی مقاومت" بمثابة يك آلترناتیو قطعی است. تنها يك آلترناتیو آنها آلترناتیو پرو-لتری قادر است نجات بخش انقلاب و پیروزی قطعی آن باشد. هر نیروئی نیز که بخواهد نام انقلابی و دمکرات بر خود بگذارد باید به رهبری طبقه کارگر در انقلاب تمکین کند و برنامه حداقـل پرولتاریا را در انقلاب دمکراتیک بپذیرد.

اگر اندک راه نجاتی نیز برای سازمان مجاهدین وجود داشته باشد، گسست قطعی از بورژوازی دست برداشتن از خصومت و دشمنی با طبقه کارگر ایران و مظهر آگاه این طبقه یعنی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و پذیرش برنامه حداقـل پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک ایران، جزو

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریا-
لیسم امریکا و پایگاه داخلی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۳۳/۱/۱۱

انتخابات فرمایشی و عکسالعمل توده‌ها

بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی انتخابات فرمایشی دیگری را تدارک میبیند. همانطور که در انتخابات گذشته مجلس مشخص گردید و توده‌ها شاهد بودند، تنها نمایندگان تجار سرمایه‌داران و زمینداران و ... برای حفظ منافع طبقاتی خود و رژیم حاکم بمجلس راه یافتند و تمامی قوانین نیز تنها در این جهت طرح و تصویب گردید. از اینرو برای کارگران و دیگر زحمتکشان به تجربه ثابت شده است که تا زمانی که رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی بر سر کار است هیچگاه توده‌ها نمیتوانند بمجلس راه یابند و در جهت تاسیس منافع خود اقدامی نمایند.

از هم اکنون نتیجه انتخابات کذائی مجلس از پیش معلوم است و رقابتهای نیز حول جناحهای درون حاکمیت دور میزند. هر چند که توده‌ها در ابتدای بقدرت رسیدن رژیم بدلیل توهم ناشی از ناآگاهی، در انتخابات شرکت میکردند، اما بویژه در سه سال اخیر که ماهیت رژیم برایشان روشن گردید تنها تحت تاثیر جو سرکوب و ارباب حاکم و جهت مهر زدن به شناسنامه‌های خود بمراکز جمع‌آوری رای مراجعه کرده و با انداختن ورقه سفید در صندوق، نفرت خود را نسبت به رژیم نشان میدادند اما اکنون حتی علیرغم تشدید جو ارباب ترس توده‌ها فروریخته است و دیگر حتی جهت مهر زدن به شناسنامه نیز کمتر مراجعه خواهند کرد و با تحریم گسترده خود مشت محکمی بر دهان رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی خواهند زد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اسفند - ۶۳

گرامی . . .

بقیه از صفحه ۱

روز سرود برابری و رهایی انسانها را از قید و بند بردگی سر نهند.

هر ساله در این روز میلیونها زن زحمتکش که در زیر یوغ سرمایه و تحت غارت و چپاول امپریالیسم در زیر سرکوب و تحقیر و ستم دوگانه قر-ار دارند بهر شکل ممکنه جشنی برپا میدارند و با هم عهد و پیمان می‌بندند که دوشادوش مردان زحمتکش مبارزه‌ای بی‌امان بر علیه یوغ سرمایه و سرکوب و استثمار و تحقیر برای بنیان فردائی روشن و عاری از ستم و استثمار را به پیش ببرند. و میلیونها زن رها شده از ستم سرمایه و سرکوب برای همبستگی بین المللی در محیطی آکنده از برابری، عشق و صفا این روز را جشن گرفته و با خویش عهد می‌بندند که در راه بنیان کمونیسم هرچه استوارتر باشند.

امسال نیز همچون سال قبل روز زن در شرایطی فرا می‌رسد که هزاران زن مبارز و انقلابی یاسر سیاهچالهای رژیم ضدحلقی جمهوری اسلامی در زیر شدیدترین شکنجه‌ها و فشارها بسر می‌برند و یا به جوخه‌های مرگ و اعدام سپرده میشوند. امسال نیز روز زن در شرایطی آکنده از خفقان و سرکوب بسر علیه تمامی زحمتکشان و مبارزین فرا میرسد.

بمناسبت بزرگداشت روز جهانی زن به تحلیل کوتاه چگونگی علل تاریخی - اجتماعی ستم دوگانه بر زن می‌پردازیم :

پیدایش ستم دوگانه بر زن به پیدایش مالکیت خصوصی برمیگردد، در جوامع اشتراکی اولیه که وسایل تولید به تمام قبیله یا طایفه تعلق داشت، همه کار می‌کردند و بطور برابر از مزایای اجتماعی و محصولات استفاده می‌نمودند، حتی در آن دوران چون کار کشاورزی و صید بمعهد زنانه بود و این روش به نسبت کار مردان که مجبور بودند برای بدست آوردن غذائی جنگلها را زیرپا گذارند، مطمئن تر بود زنان توانستند بیشتر بر روابط اجتماعی تسلط داشته باشند، با پیشرفت کشاورزی و نیاز به کار بیشتر مردان نقش مهمتری در تولید یافتند، با پیدایش مازاد تولید و جمع آوری محصول و برتری مردان در امر تولید کار زن نقش ثانوی یافت و زن به خانه و کار

طاقت فرسای خانه رانده شد. " با پیدایش خانواده پدر سالاری وضع تغییری یافت. اداره امور خانه صفت اجتماعی و عمومی خود را از دست داد و به یک خدمت خصوصی بدل گشت. زن نخستین خادم خانگی شد. " (انگلس - منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت)

پروسه پیدایش ستم دوگانه بر زن با پیدایش مالکیت خصوصی همراه بود، از اینرو با رشد آن و در کلیه نظامات طبقاتی در برده داری، فئودال - لیسم و سرمایه داری در طول تاریخ این روند ادامه یافت. از این رو با دور ماندن زنان از عرصه فعالیت اجتماعی و تحمیق در کار مستمر و طاقت فرسای خانگی هرچه بیشتر دچار فقر شدید فرهنگی و سطح پائین آگاهی اجتماعی گردیدند. با پیدایش نظام سرمایه داری از اینرو که به نیروی کار زن برای سودآوری بیشتر در تولید از سوی سرمایه داران نیاز پیدا شد زنان به عرصه تولید اجتماعی راه یافتند. ولی این امر باعث نگردید که ستم دوگانه بر زنان از بین رود بلکه بعلت نابرابری زنان و مردان در عرصه اجتماعی همان تبعیضات به صورتی دیگر بر علیه زنان بکار گرفته شد و از طرفی نیروی کار زنان به قیمت ارزان در بازار کار خریده میشد و این خود استثمار زنان را بیشتر کرده به این صورت در

سرمایه داری همیشه زنان بعنوان " ارتش نخیره کار " هستند چرا که با هر بحرانی که گریبان سرمایه داری را بگیرد موج اخراج زنان شروع می - شود. و از جانب دیگر زنان همچنان در کار خانگی باقی میمانند. یعنی علاوه بر استثمار شدید نیروی کار آنها از طرف سرمایه داران در رابطه با خانواده هنوز در زیر فشار و ستم و تحمیق فرهنگ پدر سالاری نیز باقی ماندند.

" نیمه مونث بشری تحت رژیم سرمایه داری بطور مضاعف ستم میبرد. زنان کارگر و دهقان به وسیله سرمایه ستم می‌بینند. اما در عین حال اولاً از بعضی حقوق بدلیل نابرابری قانونی با مردان محرومند و ثانیاً ... آنان در انقیاد خانه بوده و بصورت بردگان خانگی باقی میمانند. زیرا کار پر زحمت و بسیار پست و کمرشکن و تحمیق کننده آشپزخانه و خانه انفرادی خانواده را متحمل میشوند. " (لنین : روز جهانی زنان کارگر)

بقیه در صفحه ۱۴

گرامی . . . بقیه از صفحه ۱۳

همانگونه که بررسی علل پیدایش ستم مضاعف (دوگانه) بر زن نشان داد که این امر تنها در پیدایش مالکیت خصوصی و جوامع طبقاتی ریشه دارد، نابودی این ستم و تحقیر بر زنان تنها با نابودی مالکیت خصوصی و طبقات امکان پذیر است. " مبارزه برای نفی سرمایه داری و مالکیت خصوصی قدم اساسی، برانداختن مالکیت خصوصی بر زمین، کارگاهها و کارخانهها میباشد. این است و تنها همین است که راه آزادی کامل و واقعی زن را باز مینماید. آزادی واقعی زن تنها با کمونیسم امکان پذیر است. " (لنین، مباحثه با کلارا - زتکین)

لازم است بهمناسبت روز جهانی زن یادی از زنان بلوچ این محرومترین انسانهای روی زمین بنماییم:

بر زنان بلوچ ستمی که بر سایر زنان کشور - مان اعمال میشود روا رفته و علاوه بر آن ستمی افزون نیز اعمال میشود که زن بلوچ را از ابتدائیترین حقوق شناخته شده در جوامع امروزی محروم میسازد.

بررسی وضعیت زنان از بررسی ساخت اجتماعی هر جامعه نمی‌تواند جدا باشد. خلق بلوچ در مناسبات سرمایه داری وابسته و علاوه بر آن زهنیات بجای مانده از دوره شبانی - فئودالی بسط می‌یابند. رشد سرمایه داری در ایران بعلاوه تضاد انقلابی بودن و برپائی بر طبق منافع امپریالیست ها نتوانسته است حتی همان آزادیهای دمکراتیکی که انقلابات کلاسیک سرمایه داری و رشد مناسبات سرمایه داری در مورد زنان به ارمغان آورده، به همراه آورد. غالب شدن مناسبات سرمایه داری در ایران نیز ناموزون بوده و در پاره‌ای نقاط ایران نتوانسته است نظامات قبل را داغان سازد، یکی از این مناطق بلوچستان میباشد که هنوز قوانین و دستورات ماقبل سرمایه داری در مورد زنان اعمال میشود. و دولتهای وقت بیشتر - مسئولیت را در این مورد بعهده دارند. تا چند سال پیش از این دختران بلوچ از امکان سواد - آموزی محروم بودند. نه دولت چنین امکاناتی فراهم میکرد و نه ذهنیت مردم چنین اجازه‌ای را

میداد. درصد زنان باسواد بلوچی نهایت پائین است حتی به یک درصد نیز نمیرسد. زنان بلوچ از آزادیهای شناخته شده که هم اکنون در جوامع دیگر حتی در دیگر نقاط ایران مانند تهران یا خراسان و یا آذربایجان اعمال میشود محرومند.

مردان بدون هیچ قید و شرطی نمیتوانند با چند زن ازدواج کنند و طبق اراده شخصی خود هر وقت اراده کردند آنها را رها سازند زیرا زن به عنوان یک برده که مرد در مقابل مهریه خریده - است پنداشته میشود. زن بلوچ نمیتواند عقیده خود را بطور کامل حتی در سطح خانواده مطرح کند چه رسد به اینکه در مسائل اجتماعی شرکت نماید. البته وضعیت زنان در اقشار گوناگون و طبقات اجتماعی متفاوت است. وضعیت زنان عشایر و دهقان خرده بورژوازی نوین و تجار تفاوت فراوانی دارد مثلاً زنان عشایر و دهقانان بشدت لیت می‌نمایند و درصد باسوادان آنها بشدت پائین است، نیمی و گاهی بیشتر فعالیتهای خانوادگی بعهده آنان است، درصد زنان خرده بورژوازی نوین بالاتر از زنان عشایر و دهقانان می‌باشد، بیشترین زنان باسواد بلوچ از این قشرند. رفع ستم از این محرومترین زنان ایران و - وظیفه انقلاب دمکراتیک نوین به رهبری طبقه کارگر میباشد. وظیفه پیشرو در این مورد عبارت است از کار میان پیشروترین زنان و بسیج زنان بمنظور بردن خواستههای دمکراتیک متعلق به زنان در میان آنها و آگاه نمودن آنها بمنظور شرکت در انقلاب آینده. میدانیم هیچ انقلابی بدون شرکت زنان به سرانجام قطعی اش نخواهد رسید. با امید روزی که کلیه زنان جهان از قید ستم رها گردند.

ریگای‌گه
را بخوانید

هرچه گسترده تر باد انحراف عمل نیروهای مترقی و انقلابی

بررسی ...

بقیه از صفحه ۱۰

مبارزه طبقاتی و تحولات اجتماعی را در بر نمی‌گیرد، اما رجوع به شیوه زندگی توده‌ها، تفکر مسلط و سایر نشانه‌هایی که هنوز در اجتماع موجود است و یا از قدیم بجای مانده است مانند فرهنگ و ادبیات، به ما یاری خواهد داد تا به منظورمان نزدیک‌تر شویم.

بلوچستان سرزمین وسیعی است که اینک میان سه کشور، ایران و پاکستان و افغانستان تقسیم شده است، ملت بلوچ از روزگاران قدیم در این سرزمین می‌زیسته‌اند، اما آنها هیچگاه موفق به اتحاد دولتی خودشان که در این سرزمین می‌زیسته‌اند نشده‌اند و پیوسته تحت تسلط ملت‌های دیگر بوده‌اند، سابق بر این بر هر قسمتی از بلوچستان سرداری در شکل مسئول یک قبیله و یا حاکم زاده‌ای بشکل فئودالی قدرت داشته است در تاریخ بلوچستان طایفه بارکزائی در بلوچستان ایران و خان کلات در بلوچستان پاکستان بر قسمت‌های وسیعی دست یافته‌اند. ملت بلوچ در پی ضعف اساسی که در تکامل نیروهای مولده اش موجود بوده میان حکومتگران وابسته به امپریالیسم سه کشور تقسیم شده است. طایفه بارکزائی در ایران خراج گذار حکومت قاجاریان و دست‌نشانده آنها بوده است آخرین خان بارکزائی‌ها دوست محمدخان ضد انقلاب بعثت ضعیف شدید حکومت قاجاریان و انقراض این دودمان تا مدتی بصورت خودمختار عمل می‌کرده است که بعد از قدرت‌گیری رضاخان قدرت خوانین بلوچستان بطور کلی در حکومت مرکزی ادغام می‌شود. که در صفحات بعدی در این مورد صحبت خواهیم نمود. اما موضوع مورد بحث ما سرزمین وسیعی است که اینک جز کشور ایران بوده و ملیت بلوچ در آن می‌زید. بلوچستان از شمال به سیستان و از غرب به کرمان از جنوب به دریای عمان و از مشرق به کشور پاکستان محدود می‌شود. دارای جلگه‌های وسیع و گاهی ساحل‌خیز اما کم آب و کوهستان‌های سلسله‌وار می‌باشد. اینکه بلوچها مهاجر بوده‌اند و یا در همین سرزمین تکامل پیدا کرده‌اند و نژاد آنها به کجا می‌رود از حیثه بحث ما خارج بوده و کار جداگانه‌ای با وسایل

جداگانه‌ای را می‌طلبد که به تحقیق ما ربطی ندارد و از آن صرف‌نظر می‌کنیم، اما آنچه نقطه آغاز بررسی ما را تشکیل می‌دهد اینست که زندگی بلوچها را از مرحله اشتراک اولیه دوره - قبیله‌ای مورد بررسی قرار می‌دهیم.

قبایل بلوچ در کوهها و جلگه‌های کم مرتع به کار شبانی مشغول بوده‌اند، زندگی از کوهها شروع می‌شود و به جلگه‌ها و کار کشت و زرع ادامه می‌یابد مالکیت بر روی دامها اشتراکی بوده تو- لید برای طایفه صورت می‌گرفته است و از تولید جمعی مصرف افراد تامین می‌شده است در جلگه‌ها و کنار رودخانه‌ها چون موقعیت مناسب تری برای کشاورزی فراهم بوده است. کشت و زرع بتدریج رونق یافته است در اینجا هم مالکیت روی زمین و محصولات جمعی بوده است.

قبایل هر کدام دارای یک رئیس قبیله بوده و منطقه‌ای را برای چرای گوسفندان خود و یا کار کشاورزی در مالکیت داشته‌اند. قبایل پیوسته در حال ستیز با یکدیگر و تصرف اموال یکدیگر برمی‌آمده‌اند. گاهی قبیله‌ای مقهور می‌شده و اموالش به تصرف دیگران درمی‌آمده‌اند، نفرات قبایل از آن منطقه کوچ کرده و به قبیله‌های دیگر پناهنده می‌شده‌اند. در این زمینه ادبیات و اشعار فراوانی به یادگار مانده است که حکایت از نظم قبیله‌ای و شبانی دارد و هنوز در فرهنگ مردم جایگاه ویژه‌ای دارند. هر کدام از قبایل با نام رشیدترین سرطایفه معروف بوده و گاهی اسم محلی که آن قبیله در آن زیست می‌نموده روی آنها گذاشته می‌شده است. لفظ "زهی" بمعنای "زاده" که شاخص تمایز میان قبایل بکار می‌رود، قبایل را از همدیگر مشخص می‌کند و حرف (ی) نیز چنین مسئولیتی دارد.

ستیز میان قبایل موجب برجسته‌تر شدن و قدرت‌یابی عده‌ای از قبیله‌ها گردید. این قبایل که توانسته بودند جایگاه ارفعی کسب کنند برای قبیله خود امتیازاتی قائل شده و دارای قدرت مالی و زرعی بیشتری گشتند و اقدام به خریداری برده و یا به بردگی گرفتن قبایلی پرداختند. اکثر برده‌ها در بلوچستان سیاه‌پوستانی هستند که به بنادر بلوچستان آورده شده

بررسی ...

بقیه از صفحه ۱۵

کرد تضاد با طبیعت یا شرایط نامساعد طبیعی برای زیست نمی‌تواند يك حکم کلی باشد که جلوی رشد نیروهای مولده را می‌گیرد.

۲- هجوم نیروی بیگانه :

این نیروها شامل غیربومیان و غیربلوچها بوده است. حکومتگران وقت ایران هزار چندگاهی به بلوچستان لشکرکشی نموده هستی بلوچها را با خاک یکسان میکرده‌اند. در اثر حملات دامهارا هلاک و یا به غنیمت می‌برده‌اند. نیروی کار را نابود و آبادیها را ویران میکرده‌اند، سالها طول میکشیده است تا بلوچها آنچه را از دست داده‌اند دوباره جبران کنند. چنانچه قبایل یکدیگر را مقهور مینمودند. نیروی کار و ابزار تولید و محصول قبيله شکست خورده را بکار میگرفتند، جامعه بر مدار تکامل اجتماعی حرکت میکرده، اما نیروی مهاجم آنچه میتوانست با خود می‌برد و باقی مانده را نابود میکرد.

۳- پراکندگی جمعیت :

بعلت سرسختی طبیعت بلوچستان و ناتوانی بلوچها در مقابله با این نیروی خشن و دور بودن مراکز زیست که پراکندگی جمعیت را بدنبال داشته است مبادله بسختی انجام میگرفته است. در ضمن کمبود محصولات مورد مبادله نیز گروههای ساکن در هر منطقه را بیشتر محدود مینموده است. این عامل نیز تاثیر نامطلوبی روی رشد نیروهای مولد داشته است.

۴- وجود قبایل راهزن :

باز هم بعلت سرسختی طبیعت و نبودن اماکن زیست و کار عده زیادی از قبایل بلوچستان بکار راهزنی و چپاول مشغول بوده‌اند. این قبایسل کمتر به کار تولیدی می‌پرداخته‌اند و از محصولات دیگران از راه تصاحب کردن محصولات بزور تغذیه می‌نموده‌اند. این عوامل دست‌بست‌هم میدهد و عقب ماندگی نیروهای مولد را و یا حرکت کند آنها را از مناسبات تولیدی باعث می‌کردد و خلل در تکامل اجتماعی بوجود می‌آورد.

ادامه دارد

و فروخته شده‌اند. برده متعلق به قبيله و عمدتاً به بلندپایگان طایفه بوده است و برای آنها کار بدون مزد انجام میداده است. مبارزه میان قبایل به سر انجام خود که تسلط نظم برده‌داری باشد، بعلت ضعف نیروهای مولده و کمی اضافه محصول و پائین بودن بازده کار به سر انجام خود نرسید و بصورت ناقص راه را برای پیدایش مناسبات فئودالی هموار نمود. دلایل ضعف نیروهای مولده را به شیوه زیر میتوان تقسیم بندی نمود.

۱- تضاد با طبیعت :

بلوچستان با طبیعت خشن و سرسخت کم باران و کمبود چراگاههای سرسبز مانع بزرگی بر سر رشد نیروهای مولد بحساب می‌آید. اکثر زمینهای بلوچستان خشک و ضحاری سوزان و کوههای سنگی و بدون علف میباشد. میزان بارندگی موسمی در بلوچستان ناچیز است، فقط سالیهای ممتد و پی در پی موجب نابودی ارقام درشتی از دامها و محصولات نابودی دهات میشده است. در نتیجه تولید به میزان نبوده است که اضافه محصول فراوانی بدست آید. و نیروی کار بیشتری را طلب کند. بلوچها در مقابل طبیعت ضعیف و قادر نبوده‌اند که نیروهای طبیعی را مهار کرده بر آنها فائق آیند. کشاورزی نیز تولیدات فراوانی نداشته و محصولات کشاورزی کفایت مخارج قبيله را نمیداده است. عمده محصول در آن روزگاران خرما و غلات بوده است. آبهای جاری (روخانه) خیلی کم و یا بگونه‌ای بوده است که در مسیر آن زمینهای حاصلخیز وجود نداشته است. رودخانه بمپور در ایران شهر، رودخانه سرباز، رودخانه کله گان و عده معدودی رودهای دیگر از قبیل کاجه قدیمی - ترین مراکز زیست و کار بلوچها بوده‌اند و بهمین جهت در اینجاها تکامل سریع‌تر بوده است. البته بعدها بلوچها اقدام به حفر قنات و مشروب ساختن زمینها نموده‌اند که این در هنگامی است که شیوه مناسبات فئودالی تسلط داشته است. این تضاد عمده‌ترین مانع جلوی رشد نیروهای مولد در بلوچستان بحساب می‌آید و تاثیر بازدارنده در تکامل اجتماعی داشته است. البته نباید اشتباه درک

برنامه عمل

سازمان چریکهای

فدایی خلق ایران را بخوانید!

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

خوانین ...

بقیه از صفحه ۱

متوسل شوند تا موقعیت و مقام خود را حفظ کنند به هر جنایتی تن در می‌دهند تا دو صباحی خود را در راس قدرت در منطقه نگاه دارند، تمام بلوچهای زحمتکش که چشمی برای دیدن داشته‌اند اقدامات گذشته و حال خوانین را میدانند همه میدانند که خوانین در حکومت شاه صاحب چه مقاماتی بوده‌اند و چه خوش رقصیهائی در بارگاه آن سگ کثیف یعنی شاه بجای می‌آوردند. از وکالت مجلس گرفته تا شهردار و کخدای ده در اختیار همین خود فروختگان بوده است.

وقتی حکومت ننگین شاهنشاهی عمرش پایان یافت، خوانین طبق فلسفه خود مبنی بر اینکه هر که خر است ما پالانش هستیم به بقدرت خزیدگان نزدیک شدند. حاجی کریم بخش سعیدی اسپهرم را تحویل داد، میرمولاداد خائن و این مزدور کثیف ساواک و سیا بوسیله مزدور دیگری با اسم سرهنک ضیائی فرمانده هنگ ایران شهر مسلح گردید و امنیت منطقه را در اختیار گرفت، امان الله باران - هرزه که طی نامهای به ولی نعمت خود نوشته بود تحصن معلمین سراوان را در هم خواهد شکست و طلب اجازت کرده بود تغییر چهره داد و در اولین شب قیام اقدام به جمع نمودن توله‌های دورو اطراف خود نمود و باصطلاح کمیته‌ای تشکیل داد، دکتر ملک زهی جاسوس دیگر ساواک به مدیر کلی بهداری استان رسید، خان دیگری به معاونت استانداری رسید در آن روزگاران خوانین در حزب بی باس اتحاد المسلمین گرد آمده بودند - چون مذهب و عمامه سری مد روز بود نماینده روحانی خود مولوی عبدالعزیز را در راس قرار داده بودند. میرمراد زهی وکیل دادگستری و مولوی عبدالعزیز به مجلس خبرگان رفته از منافع صنفی خوانین دفاع نمودند، خلاصه اینکه خوانین با جمهوری اسلامی بیعت نمودند تا دوباره بر سر زحمتکشان بلوچ حکومت نمایند. نیروهای مترقی بخصوص هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق با اقدامات فوق العاده انقلابی خود تمام نقشه‌های کثیف این جاسوسان را نقش بر آب ساختند. در ایران شهر طی میتینگ هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق تمام اقدامات

جمهوری اسلامی و ماهیت واقعی خوانین را برملا ساختند. در قصرقند وقتی میرمولاداد اسلحه جمهوری اسلامی را در دست داشت و تعهد سپرده بود که انتخابات جمهوری اسلامی را برگزار کند هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق با افشای طرح ارتجاعی انتخابات و با ایستادن در مقابل خان کثیف مانع از انجام انتخابات شدند. هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق در سراوان با اقدامات فوق العاده انقلابی خود طی یک جلسه با حضور توده‌های زحمتکش ماهیت امان الله باران را افشا، کمیتته وی را منحل و نامبرده را بی اعتبار ساختند. هواداران سازمان پابیی افشا و بی اعتبار ساختن جمهوری اسلامی پیوسته این سگان کثیف را افشا نموده و نزد خلق رسوا ساختند تا جائیکه جمهوری اسلامی نیز تشخیص داد این خفاشها در میان مردم اعتباری ندارند. خوانین چاره در آن دیدند تا ایران را ترک گویند. فرار خوانین نه در اثر فشار آوردن خمینی بر اینها بلکه در پی افشاگریهای بی امان و مداوم هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق و سایر نیروهای انقلابی صورت گرفت.

خوانین در پاکستان اقدام به تشکیل تشکلی با اسم وحدت بلوچ نمودند، تشکلی که در واقع یک بلوچ زحمتکش در رهبری آن شرکت نداشت این درندگان وحشی اینبار برای فریب مردم و نمایاندن خود بعنوان رهبران بلوچ در نزد سلطنت طلبان بخود اسم بلوچ گذاشتند. آری اسمی را گذاشتند که قبلا هر کس به آنها خطاب میکرد، خطاب کنندگان میکشند. (در میان ملیت بلوچ، زحمتکشان به کلمه بلوچ معروف بوده و خوانین از نهادن این نام برخوردار داشتند.)

نشریه بامی‌استار در همان ایام هم اقدامات، نقشه‌ها و اهداف خوانین را قدم به قدم تعقیب میکرد و برای خلق افشا مینمود آخرین افشاگری در بامی‌استار شماره ۲۵ نوشته شده است که در آن اقدام شومی افشا شده است چنانچه به تحقق می‌پیوست می‌توانست مشکلات فراوانی برای انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران بوجود آورد.

ما اهداف شوم خوانین را میدانیم، خوانین

بقیه در صفحه ۱۸

خوانین ...

بقیه از صفحه ۱۷

در واقع بستیاران سلطنت‌طلبان و سیا در منطقه در فکر برگرداندن سلطنت در ایران و مقامات پر زرق و برق گذشته خود هستند، آنها میخواهند رضا را در ایران شاه کنند و خودشان مقامات استان‌داری و پارلمان و وزارت و وکالت را به عهده بگیرند. آیا خواست‌خوانین به تحقق درخواهد آمد؟ آیا این رویای شیرین خوانین به حقیقت خواهد پیوست؟ حرکت تاریخ همیشه به سوی پویائی و تکامل است، تکامل اجتماعی هیچگاه بعقب برگشت نخواهد کرد. اگر خمینی در پس ناآگاهی توده‌ها توانست بقدرت برسد و پروسه قیام و تداوم انقلاب از بدو پیدایش تاکنون تغییر و تحولات فراوانی در ان‌ها توده‌ها بوجود آورد. توده‌ها دریافتند که هر قدرتی هر اندازه قوی باشد وقتی خلق اراده کند درهم خواهد شکست هر قدرتی هر چند مسلح باشد در مقابل قهر انقلابی زحمتکشان، کارگران و دهقانان توانائی ماندن ندارد، کارگران و دهقانان ماهیست کثیف رژیم شاهنشاهی را احساس کردند آنرا درک نمودند و سرنگونش کردند، دیر نیست آ‌نروز که جمهوری اسلامی هم با پتکهای کوبنده کارگران و داسهای برنده دهقانان در هم کوفته و از هم دریده شود، دیر نیست آ‌نروز که چرخ تکامل تاریخ رژیم جمهوری اسلامی را نیز با حرکت بجلوی خود له و نابود سازد. همان‌طور که کاخ شاهنشاهی واژگون گردید جماران نیز واژگون خواهد گشت. و اما هیچ اقدام خوانین خودفروش و توطئه‌گر از دیدگان تیزبین هواداران سازمان ستیزنده و مبارز چریکهای فدائی خلق پنهان نخواهد ماند. ما قدم به قدم تمام حرکات آنها را تعقیب کرده و از تمام حرکات آنها اطلاع خواهیم یافت. ما به خلق زحمتکش بلسوج به شکم‌های گرسنه تمام ستم‌دیدگان ایران و جهان سوگند یاد می‌کنیم تا جائیکه توانمان اجازه میدهد مانع از تحقق خواست‌خوانین مبنی بر برگشت سلطنت باشیم. ما به تمام بلوچها می‌گوئیم که هدف‌خوانین برگرداندن دوران خوش گذشته است آنها میخواهند به قدرت برسند، بچا-پند بکشند، بخورند و در رفاه کامل باشند.

هم اکنون خوانین از حمایت کامل امپریالیست‌ها و وابستگان نشان برخوردارند. خوانین از قدرت مالی فراوانی برخوردارند، اما خوانین مطمئن باشند که هیچ قدرتی یارای مقابله با اراده - خلق را ندارد، کشنده‌ترین اسلحه‌ها در مقابل اسلحه آگاهی خلق چاره‌ساز نیست و این اسلحه در دست نیروهای انقلابی میباشد.

ما به تمام بلوچها هشدار میدهم آگاه و هشیار باشنده، از پیوستن بخوانین خودداری - کنند، ما به تمام عناصری که ناآگاهانه فریب زرق و برق فعلی خوانین را می‌خورند هشدار میدهم که آنها را با اسم و رسم و فعالیتشان در برابر خلق افشا و رسوا خواهیم ساخت.

با ارسال کمکهای مالی خود سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید

کمکهای مالی دریافت‌شده

- رفیق شهید زین الدینی ۴۵۰۰۰ ریال
- رفیق شهید خسرو ۶۰۰۰۰ ریال
- رفیق شهید سلیم کهرازی ۹۰۰۰ ریال
- شهادی خلق ۷۵۰۰۰ ریال
- تایماز ۱۸۰۰۰۰ ریال
- امیر ۴۲ ۱۸۰۰ ریال
- فیض محمد سرودی ۳۶۰۰۰ ریال
- امکانات داروئی شما رسید الف - ۲

دهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

پیش‌آهنگ‌بی محابا و فوت‌وقت‌باید اقدامات
خوانین و ماهیت‌اهداف‌آنها را افشا نماید. تا
سلطنت‌طلبان فرصت نفس‌کشیدن را نیابند.

پیرامون ۰۰۰ بقیه از صفحه ۲

شیوه‌های مبارزاتی دهقانان و عشایر نه
تحصن و اعتصاب بلکه شکل‌عالی مبارزه قیام
مسلحانه دهقانی میباشد، تاکنون دهها اقدام -
مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی از سوی توده
ها بصورت خودانگیخته گزارش شده است و صدها
نفر پیوسته مسلح و آماده مبارزه با حکومت
هستند، پیش‌آهنگ‌باید باین مبارزات سمت و سو
بدهد به این مبارزات خودانگیخته آگاهی سیاسی
ببخشد، آنها را متشکل نماید و رویاروی حکومت
سرمایه‌داران قرار دهد. از سوی دیگر اقدامات
مسلحانه در بلوچستان تاثرات سیاسی و تبلیغی
شگرفی بر انهان سایر توده‌ها دارد، می‌توان به
جرات‌اندا کرد که یک اقدام نظامی در بلوچستا-
نو در پی آن تبلیغات وسیع تاثرات سیاسی
فوق‌العاده‌ای دارد. زیرا ذهنیت دهقانان زحمت
کش بلوچ و عشایر این قبیل اقدامات را طلبیده
و به صفوف انقلابیون مسلح جذب میشوند.

بهاران ۰۰۰ بقیه از صفحه ۱

عیدی و رقص و پایکوبی و تبریک و تهنیت به یکدیگر
یگر تسلیمت می‌گویند، ایران در ماتم فرو رفته
است، زحمتکشان ایران در زیر گیوتین‌های جمهو-
ری اسلامی، رنک‌شادی از چهره تکیده‌شان پریده
است، زندانها مملو از جوانانی است که در هنگا-
م عید به مادران خود باید تبریک بگویند،
قبرستانها پر از انقلابیونی است که خمینی
آبادشان نموده است، عید خون، عید بدبختی، عید
نکبت، عید ملایان فرا میرسد. یکسال از تاریخ
ترین، پرشکنجه‌ترین و تحمل‌ناپذیرترین دوران
تاریخ ایران را از سرگذرانیده‌ایم، اما طرف
دیگر سکه هر روز، هر ماه، هر بهار که می‌آید
و میگذرد زحمتکشان ایران بیشتر به ماهیت
سرمایه‌دارانه رژیم جمهوری اسلامی آگاه میشوند،
هرچه جلاد بیشتر جنایت میکند، بر تعداد مخالفان -
نشان افزون میگردد، هر سرو ایستاده‌ای که
می‌افتد چندین سرو قد علم میکنند. مبارزه
طبقاتی همچنان ادامه دارد و تا نابودی تمام
طبقات پایانی نخواهد داشت، تا ظلم هست مبارزه
هست، تا سرمایه وجود دارد کارگر می‌رزمند،
تا حکومت دیکتاتوری سرمایه وجود دارد، تا
امپریالیسم وجود دارد خلقها خواهند رزمید،
عیدها خواهند آمد و خواهند رفت اما قدرت -
خلق لایزال خواهد ماند.

اقدامات مسلحانه اخیری که توسط جنبش
آزادیخواهان بلوچ انجام شده صحت این ادعای
ما را ثابت میکنند. عملیات مسلحانه باید
هدفمند و بمنظور افشای ماهیت ددمنش رژیم و
بالا بردن آگاهی توده‌ها انجام گیرد، هرگونه
بینشی بمنظور نشان دادن خود بجای توده‌ها محکوم
بشکست است. عملیات نظامی بمنظور تبلیغ سیاسی
می‌تواند اهداف انقلابیون را از انجام چنین
اعمالی در وسیع‌ترین بخش توده‌ها منعکس گرداند
خبر چنین عملیاتی آنچنان منعکس میشود که هیچ
خبرنامه‌ای قادر به پخش نیست.

وظیفه پیش‌آهنگ در رابطه با این عملیات
عبارتست از :

بردن آگاهی سیاسی میان توده‌هایی که در پی
اقدامات ضدبشری خمینی اسلحه بدست گرفته‌اند،
متشکل نمودن آنها و انجام عملیات نظامی به
وسیله این هسته‌های متشکل، پیوند بین عملیات
نظامی و تبلیغات وسیع سیاسی و پخش اوراق -
تبلیغاتی و افشای ماهیت رژیم ددمنش و طرح
سرنگونی رژیم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق
از سوی دیگر خوانین و سلطنت‌طلبان ممکن
است از چنین موقعیتی درصدد سوءاستفاده باشند

عید زحمتکشان روزی خواهد بود که از استثمای
رگر و استثماری شونده خبری نباشد، از سرمایه
از شکنجه و زندان و اعدام خبری نباشد. ما
برای چنین روزگاری مبارزه میکنیم. ما برای
به تحقق در آمدن جمهوری دمکراتیک خلق و
سوسیالیسم مبارزه می‌کنیم. ما برای روزی مبار-
زه می‌کنیم که انسانها در کنار یکدیگر راه
سازندگی و بهروزی و سعادت و صلح را در پیش
گیرند و برای اقتدار سوسیالیسم دوش‌ب‌دوش
همدیگر کار کنند در آن روزگار است که عید
و نوروز و بهار معنی واقعی خود را خواهد
داشت.

جاودان باد خاطره همه شه‌دای بخون خفته خلق

به نقل از ریگای گدل شماره ۱۴

تکلیف

دوره جدید - سال دوم ، شماره ۱۴ سازمان جریکهای فدائی خلق ایران
بهمن ماه ۱۳۶۲
شاخه کردستان

صفحه ۲۲

مراسم تسلیح پیشمرگان چهارمین دوره آموزشی

=====

روزپانزدهم بهمن ماه جاری چهارمین دوره آموزشگاه شهید مسعود رحمتی پایان پذیرفت و چهارمین دسته از رفقای شرکت کننده در این دوره طی مراسم با شکوهی تسلیح گردیدند. مراسم با یک دقیقه سکوت بمنظور گرامیداشت خاطره شهدای بهمن ماه سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و همه شهدای راه رهایی ،

آزادی و سوسیالیسم آغاز گردید. و سرود انترناسیونال به اجرا در آمد ، سپس مسئول شاخه کردستان سازمان درباره اهمیت و نقش کلاسهای آموزشی بویژه برای رفقای که از سازمانهای سیاسی دیگر به صفوف فدائیان پیوسته اند سخنانی ایراد نمود. بعد از اتمام سخنرانی یکی از رفقای دوره -

آموزشی به نمایندگی از جانب رفقای شرکت کننده در این دوره سوگند یاد کرد که تا پای جان از آرمان پرولتاریا دفاع نماید. و تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق یک دم از پای ننشیند. سپس مراسم تسلیح در شعر و سرود جمعی برگزار گردید. برنامه با سرود سازمان (سرود امپرجداو) که توسط رفقای شرکت کننده در مراسم به اجرا درآمد پایان پذیرفت

عملیات یک ماهه پیشمرگان قهرمان خلق کرد

از ۲۸ دیماه تا ۲۸ بهمن ماه

هر روز که میگذرد ، جنبش انقلابی خلق کرد با تمام قدرت و عظمتش در مسیر رشد و تکامل و رسیدن به اهداف و آرمان انقلابیش - مصمانه به پیش می تازد . هر روز سیامی شرک کردستان ، رنگی تازه از زبرد و حماسه با افتخار و پیروزی بخود میگیرد و برگهای نویسی از سرنوشت تاریخش رقم میبرد . جنبش انقلابی در هر گوشه از کردستان در معرض و مقابله با یورشهای سبانه مزدوران جنایتکار جمهوری اسلامی با قدرت تمام جریان دارد و خلق کرد با تحمل قتل و غارت جنایت و ویرانی روستاها و فدائیمودن

دهها فرزند دلیرش بهای گزاف مقاومت و بیگار قهرمانانه اش را می پردازد . طی پنج سال از شکست ناپذیری خلق کرد با ناسوتید است چرا که ام سلطانه از حقوق حق خویش و آرمانهای انقلابیش دفاع می کند . نگاهی به جدول عملیات یکماهه پیشمرگان خلق کرد بعینه نشان میدهد که تهاجمات رژیم نه تنها از قدرت و تحرک پیشمرگان نکاسته بلکه رژیم به عت می کوشد که با تبلیغات تو خالی خود اینطور وا نمود سازد که بر کردستان تسلط یافته است و وجود پیشمرگان قهرمان را انکار می کند .

مزان عملیات ، تحرک و ضربات متعددی که طی یکماه گذشته بر پیکر نیروهای سرکوبگر اعظم از ارتش سیاه و بسیج وارد آمده نشانگر این است که خلق کرد هم چنان بر عزم خود استوار میباشد . عملیات پی در پی و حورانه پیشمرگان بیست و پنج سال و اهداف ضد انقلابی رژیم را از رویاهای شیرین بواقعیات یاس آور تبدیل نموده است .

غنائم جنگی

۹۵	جنگ افزارانفرادی
۱۱	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۴۸۴	انواع خشاب
۱۶۹	انواع نارنجک
۳۱۶۴۴	انواع فشنگ

تلفات دشمن

۴۳۱	کشته و زخمی دشمن
۹۵	اسیر
۳۲	خودرو منهدم و مصادره شده
۲	سلاحهای منهدم شده سنگین و نیمه سنگین
۲۸	شهدای پیشمرگ - اهالی بد دفاع
۱۲	

عملیات

۱۵	کمین و کنترل جاده
۱۴	مین گذاری
۱۳	مقابله در برابر حمله رژیم
۸	عملیات شهری
۱۴	حمله به پایگاه
۴	مصادره و انهدام تاسیسات
۴۸	جمع